

# آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۱۵ اسفند ۱۳۹۳

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

## شادباش نروزی

کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان فرا رسیدن نروزی باستانی را به هموطنان عزیز شادباش و تهنیت می گوید.

نروزی نزد ما ایرانیان همیشه نوید بخش زندگی و شادابی، دوستی و دوست داشتن و مهر و مهرورزی بوده است. بی دلیل نیست که نیاکان ما از دیرباز چنین روزی را در هر شرایط زمانی و مکانی گرامی داشته و به رقص و پایکوبی پرداخته اند. پیشینان ما بر این باور بوده اند که نروزی آغاز زندگی نو و رویش باورهای انسانی برای دور ریختن پلیدی ها و کرختی هاست. هر بهار فصلی نو برای یکدلی و یکصدایی بوجود می آورد و پوشیدن جامه نو با نوشدن طبیعت، سرشت انسان را از بدی ها دور و به زیبایی ها و پاکی ها نزدیک می کند. اگر چنین نبود که تا بحال نیروهای اهریمنی و ناپاکان ضد بشر صدها بار این آئین مردمی را از مردم گرفته و بجای آن تیرگی و یاس و نومیدی کاشته بودند. این تقابل تا به امروز ادامه دارد. در سالهای اخیر نیز ما بارها شاهد یورش تیره اندیشان و کینه ورزان به آئین های مردمی و از جمله آئین نروزی بوده ایم.

در سالی که گذشت برای اکثریت مردم کشورمان سالی سخت و دشواری بود. بحران اقتصادی ناشی از بی خردی دولتمردان، غارت و چپاول ثروت کشور توسط باندهای مافیایی قدرت و اختلاس های نجومی، در کنار تحریم های فلج کننده قدرت های امپریالیستی، اقتصاد کشور را به ورطه نابودی رساند. در نتیجه بیکاری، گرانی و تورم تشدید و عرصه بر زندگی اکثریت مردم بخصوص کارگران و زحمتکشان تنگتر شد.

ادامه درص ۲

## آ. د. ف. نین کاتبیین علانی

۲۸ فورال ۲۰۱۵ (۹ اسفند ۱۳۹۳) تاریخیده آ. د. ف. نین مرکزی کمیته سینین نوبه دن کنار پلنومو کچیریلیمیشدیر. پلنوم دا بیرینجی، آ. د. ف. مرکزی کمیته سینین وفات ایتمیش صدری یولدش امیرعلی لاهرودی و باشقا وفات ایتمیش مرکزی کمیته عضولرینین خاطره لری بیر دقیقه لیک سوکوت لایاد ایدلیمیشدیر. بئنی صدرین سنجیلمه سی ایله علاقه دار، مرکزی کمیته نین اجرائیه هیئتینین یکدیل نامزد واله قلی زاده پلنوم ایشتراکچیلارینا تکلیف اولوندو.

تکلیف مذاکیره اولونوب و مرکزی کمیته نین عضولرینین یکدیل سسی ایله قبول اولونموشدور. بئله لیکله یولدش واله قلی زاده رضا اوغلو آ. د. ف. نین مرکزی کمیته سینین بئنی صدری وظیفه سینه سچیلیمیشدیر.

سوندا باشقا تشکیلاتی مسئله لر حاقینده مذاکیره اولونوب یکدیل سسله قرارلار قبول اولونموشدور.

پلنوم اشتراکچیلاری بئنی صدری تبریک ایدرکن، اونا اوغورلار دیله نئیب نوز امکداشلیقلارینی فرقه یولوندا سوز وردیلر.

آذربایجان دموکراتی فرقه سینین مرکزی کمیته سینین کاتبیلیگی

۹ اسفند ۱۳۹۳

## نگاهی به اوضاع سیاسی کشور

مذاکرات هسته ای

یکی از سرنوشت سازترین رویدادهای سیاسی کشور در هفته های گذشته ، ادامه مذاکرات پنهان و علنی جمهوری اسلامی با دولت های گروه ۱+5 بود تا بتوانند به تحریم های وسیع و کمرشکنی که بر اثر گسترش صنایع هسته ای شکل گرفته ، پایان دهند.

آنچه دولت جمهوری اسلامی و نمایندگان 1+5 پنهان نگه می دارند ، ابعاد وسیع شرایط اقتصادی و سیاسی ای است که جمهوری اسلامی باید به آنها تن دهد تا مصوبات شورای امنیت لغو و تحریم ها تمام شوند. این مذاکرات در داخل و خارج کشور مخالفتی دارد. بیشتر مخالفت های داخلی که در پشت «استقلال خواهی» دروغین پنهان شده ، مصرف داخلی دارند. ولی اکثر مخالفت های خارجی به عدم تضمین کافی در مورد پابندی جمهوری اسلامی به تعهداتش مربوط می شوند.

دولت اسرائیل به رهبری نتانیا هو به عنوان مخالف سرسخت پیشرفت مذاکرات نشان داده میشود ، اما مخالفت های او ظاهرا برای سخت تر کردن شرایط علیه جمهوری اسلامی تبلیغ می شد و نه مخالفت با هر نوع مذاکره ای. پیشرفت مذاکرات و تن دادن جمهوری اسلامی به نظارت و کنترل کامل غرب بر صنایع هسته ای کشور و نیز پذیرش بخش بزرگی از خواسته های غرب در زمینه های سیاسی و اقتصادی ، و بویژه نزدیک شدن زمان توافق کامل میان دولت های آمریکا و جمهوری اسلامی، به حوادث جدیدی منجر شد.

ادامه درص ۲

### در این شماره

- اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان ۵ ص
- نگاهی اجمالی به سیر تحولات در کشور عراق ۶ ص
- مرحله نوین نهضت ملی آذربایجان ۷ ص
- یولدش واله قلی زاده ۹ ص
- مصاحبه با رفیق واله قلی زاده ۱۰ ص
- نگاهی به حوادث اوکراین ۱۲ ص

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

## شادباش نوری.....

نگاران و هنرمندان و مبارزات دانشجویان، جوانان و زنان، خلق های ساکن کشور، طرفداران محیط زیست و کارگران و زحمتکشان برای یک زندگی بهتر و آزاد و انسانی، جلوه هایی از یک نوع اتحاد و همگرایی نشان داد که می تواند در آینده زمینه ساز تشکل های توده ای و سد محکمی در مقابل خودکامگی های رژیم ولایت فقیه باشد.

ما امیدواریم نوزائی طبیعت با رهائی مردم کشورمان از استبداد و بی حقوقی، درهم آمیزد و بهار واقعی هرچه زودتر فرارسد و مردم کشورمان جشن سال نو را در کنار فضایی سرشار از آزادی، عدالت اجتماعی و صلح و دوستی برگزار کنند. کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان یک بار دیگر فرا رسیدن نوروز را به همه مردم تبریک می گوید و آرزو دارد سال 1394 سال خوبی برای همه هموطنانمان باشد.

## کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان نوروز 1394

در سال گذشته همچنان آزادی های دمکراتیک نادیده گرفته شد. ابتدایی ترین حقوق زنان، جوانان، روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران و زحمتکشان زیر پا گذاشته شد. خلق های ساکن کشور و اقلیت های دینی همچنان از ابتدایی ترین حقوق خود محروم بودند. صدها جوان و انسان زحمتکش به خاطر اعتراض به پایمال شدن حقوق خود و دیگران راهی زندان شدند و از حقوق اجتماعی محروم گردیدند.

علیرغم همه، سال گذشته سال سازمان یابی مردم بر علیه حاکمیت مستبد ولی فقیه بود. با برملا شدن گوشه هایی از فساد اقتصادی و اختلاس های کلان مالی بالاترین مقامات دولت احمدی نژاد که همه زیر چتر ولایت فقیه به غارت و چپاول مشغول بوده اند. پایه های نظام ولایت فقیهیی بیش از پیش لرزید.

در سال گذشته مبارزات و اعتراضات مردم از یک سازماندهی بهتری برخوردار بود. مقاومت روزنامه

## نگاهی به اوضاع سیاسی کشور

افزایش نظامی گرایی در منطقه پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، منطقه خاورمیانه مدت هاست به یکی از مراکز دخالت های نظامی و میدان جنگ های گرم با انواع سلاحهای مدرن تبدیل شده است. تجاوز نظامی آمریکا و متحدانش به افغانستان و تجاوز نظامی به عراق و راه اندازی جنگ داخلی وسیع و فاجعه بار و ظاهرا پایان ناپذیر در سوریه، زمینه ای فراهم نمود تا با سازمان یابی گروههای به شدت افراطی نظیر «داعش» شاهد جنایت های کم نظیری باشیم که مدت هاست در صدر اخبار رسانه ها قرار گرفته، و به نوبه خود بهانه های جدیدتری برای ادامه مداخلات مسلحانه آمریکا و متحدانش ایجاد می کند. این وضعیت خطرناک منطقه بر سرنوشت کشور ما نیز تأثیرات جدی دارد. جمهوری اسلامی از زمان حمله نیروهای ناتو به خاک عراق، سهم مهمی در جایگزینی حکومت شیعه فرقه گرا در عراق داشته و از همان زمان، با ایجاد «نیروهای شبه نظامی شیعه» که بیشتر نقش «ارتش ها خصوصی ولی فقیه» را ایفا می کنند، به فعالیت نظامی در عراق پرداخته است. اشغال برق آسای موصل و تکریت و حملات پی در پی داعش به کرکوک و یورش به طرف سامره، کربلا و نجف و پیشروی به طرف بغداد پایتخت عراق، فرصتی را پدید آورد تا این فعالیت ها باز هم افزایش بیشتری یابد و همزمان با مذاکرات مستقیم جمهوری اسلامی با آمریکا و با تأیید نظامیان آمریکائی، به پذیرش نقشی منطقه ای برای جمهوری اسلامی در طرحهای نظامی آمریکا بینجامد. بیهوده نیست که روزنامه شرق 14 اسفند می نویسد: «ژنرال مارتین دمپسی» رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا، حمایت ایران از عراق در پیکار با گروه داعش برای

سخنرانی توطئه آمیز نتانیاهو در کنگره آمریکا و انتقاد صریح او به توافق قریب الوقوع کامل آمریکا با جمهوری اسلامی و زیر سؤال بردن رئیس جمهور آمریکا، به نامه ای انجامید که 47 سناتور جمهوری خواه مستقیماً به علی خامنه ای نوشتند و در آن هر گونه توافقنامه ای میان دو دولت را بدون تصویب آن ها «ورق پاره ای» دانستند که با پایان دوران اوباما پایان خواهد یافت. این اقدام نتانیاهو و لابی تندروهای افراطی جنگ طلب نشان داد که مخالفان مذاکره هدف دیگری دارند و آن دامن زدن به یک جنگ منطقه ای بسیار بزرگ و یا تسلیم بزرگتر جمهوری اسلامی است. اوباما سخنرانی نتانیاهو و اقدام فراکسیون جمهوری خواهان کنگره و سنا را به صراحت محکوم کرد، آن را همسو با سیاست دلواپسان در جمهوری اسلامی دانست و به طور ضمنی از آن ها خواست به صراحت بگویند که جنگ می خواهند و نه مذاکره و صلح (!). ظریف وزیر خارجه دولت جمهوری اسلامی هم اعلام کرد توافقنامه باید به عنوان مصوبه شورای امنیت سازمان ملل امضاء شود تا برای همه دولتها لازم الاجرا گردد. قاعدتا در مذاکرات پنهان، این احتمال در نظر گرفته شده بود. چند روز بعد این موضع مورد تأیید ولی فقیه قرار می گیرد. او ضمن پاسخ به نامه 47 نماینده و متهم کردن آن ها به زیر پا گذاشتن «اخلاق سیاسی»، به نمایندگان خود تأکید می کند طوری توافق کنند که «بعدها نتواند زیر آن بزند».

حال در غیاب مردم برای شرکت در تعیین سرنوشت میهنمان باید منتظر انتخاب رژیم خودکامه ولایت فقیه میان ادامه تحریمها به اضافه احتمال ماجراجویی جنگی و یا ادغام خفت بار کامل در بازار انحصارات جهانی و شرکت کامل در نقشه های امپریالیسم آمریکا در منطقه و جهان بود.

## نگاهی به اوضاع....

عنوان فرمانده تیپ فاطمیون و رضا بخشی ملقب به فاتح به عنوان جانشین فرمانده این تیپ نام برده اند، می نویسد: سالها پیش، خمینی بزرگ دوباره بعد از قرن‌ها یادآور شد که آن چیزی که پیامبر اکرم(ص) به عنوان اسلام برای بشریت هدیه آورد، مکتبی بدون مرز است و مرزهای جغرافیایی اصالت یافته در دنیای امروز مشروعیتی ندارند. امروز فاطمیون سند این حرف هستند.

چنین مکتب بدون مرزی از نظر سرداران، به عراق و افغانستان و سوریه و لبنان و سودان و یمن خلاصه نمی شود که این روزها طرح سوریه ای شدن آن فراهم شده و به جنگی نیابتی میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی در یمن تبدیل خواهد شد. این مکتب ابعاد دیگری هم دارد که فعلا فاز تدارکاتی خود را می گذراند. علی شمخانی دبیر شورای امنیت ملی در مراسم الحاق ناوشکن «دماوند» به ناوگان دریای خزر، ضمن آنکه دریای خزر را «دریای صلح و دوستی و امنیت» می خواند، حضور رسمی نیروهای نظامی جمهوری اسلامی را در اقصا نقاط جهان گوشزد می کند و مرزهای ذهنی امپراطوری اسلامی را تا مناطق سوق الجیشی در «دریای مدیترانه و باب المندب» بسط می دهد. عدم اشاره او به دلایل حضور نظامی در دریای خزر، آن هم درست در زمانی که سیاست های امپراطورمابانه رژیم ولایت فقیه تبلیغ می شود، و این «امپراطوری» عرصه های از دست رفته ای در شمال کشور را هم داشته، سؤال بر انگیز است. چرا در چنین دریایی ناوشکن به آب انداخته می شود و تقویت حضور نظامی در این دریای صلح و دوستی برای چیست؟!

این لشکرکشی ها و نظامی گری های برون مرزی که مورد پشتیبانی بخشی از نیروهای سیاسی در کشور، و در مواردی ظاهرا مورد تایید قدرتهای مداخله گر جهانی قرار می گیرد، بسیار مخاطره آمیز است. زیرا پای کشور ما را به گردابی می کشد که می تواند نتایج فاجعه باری را در آینده رقم بزند. ژاندارمی شیعه در منطقه ای که بنیادگرایی سنی ریشه داری به رهبری و حمایت میلیارد دلاری عربستان سعودی، قطر و شورای خلیج فارس در آن تاخت و تاز می کند و مورد پشتیبانی صنایع نظامی جهانی است، بدون هزینه نخواهد بود. این روند از یکسو کشور ما را در مخاطره دائمی جنگ های منطقه ای قرار می دهد و از سوی دیگر به هر چه قدرتمند شدن سرداران سپاه در داخل کشور و بلعیدن و غارت بخش بزرگ تری از ثروت ملی کشور توسط شرکت های خصوصی و شبه دولتی نظامی- تجاری تحت کنترل و مالکیت همین سرداران می انجامد. و از آنجا که این مافیای اقتصادی نظامی ستون خیمه دیکتاتوری ولایت فقیه است، با قدرتمند تر شدن آن، استبداد حکومتی نیز تقویت می شود.

رقابت ها برای جانشینی رهبری بالا می گیرد. ۱  
ین روزها همه جا بحث جانشینی رهبر است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، ولی فقیه را مجلس خبرگان رهبری «بر می گزیند» و بر کارش «نظارت می کند». ولی سپردن چرخه انتخابات این مجلس به نظارت استصوابی شورای نگهبان که خودش منصوب رهبر است، مجلس خبرگان را به سرعت به یک زیر مجموعه مجیز گوی ولی فقیه تبدیل کرد که کارش فقط تعیین جانشین رهبری است که مرده باشد. بی دلیل نیست

بیرون راندن آنها از شهر تکریت را «مثبت» دانست و افزود «ایران و کسانی که به نیابتش از ۱۱ سال پیش در داخل عراق درحال انجام عملیات هستند، اکنون در سطح تازه‌ای، در کارزار تکریت درگیر شده‌اند. دوسوم از نیروهایی که در نبرد تکریت شرکت دارند از شیعه‌نظامیان شیعه‌ای هستند که از ایران پیروی می‌کنند.» و نه تنها پیروی می کنند، بلکه سردار «قاسمی» فرمانده سپاه قدس فرماندهی عملی این عملیات را به عهده دارد و این عملیات با هماهنگی کامل آمریکا، عراق و جمهوری اسلامی به پیش برده می شود.

آیا این اولین بار است که جمهوری اسلامی در این سطح و تا این حد به همکاری با آمریکا در منطقه می پردازد؟ پاسخ را می توان از زبان موسویان و در سایت خبری تحلیلی «مثلت» جستجو کرد. موسویان در بخش سانسور شده مصاحبه خود با بنگاه خبری بی بی سی که این سایت در تاریخ ۱۲ اسفند ماه به افشای آن پرداخته، می گوید: در دوران حکومت طالبان و زمانی که آمریکا قصد ورود به افغانستان و جنگ با القاعده را داشت، ما مدتی در شورای امنیت بحث می کردیم که آیا ایران در مبارزه با القاعده همکاری کند یا خیر؟ سردار سلیمانی موافق بود. ضمن اینکه ساده دل هم نبود... او ضمن موافق بودن، به نیت آمریکا مظنون بود که آیا این یک دعوت تاکتیکی است یا صادقانه؟

کار به جایی رسیده که یونسی وزیر اطلاعات دولت خاتمی و مشاور فعلی حسن روحانی با پا گذاشتن بر روی ادعاهای «اعتدال»، «میانه روی»، «تدبیر» و «تعامل با جهان» و هر نوع خرد سیاسی، رسماً بگوید: «امپراتوری ایران پس از قرن ها توانست مناطق تحت نفوذ خود را گسترش دهد و بغداد امروز هویت، فرهنگ و پایتخت ماست و این مسئله هم برای امروز است، هم گذشته»

این اظهارات توهین آمیز مقامات جمهوری اسلامی، مورد اعتراض مسئولان عراقی قرار گرفت. «ایاد علاوی» معاون رئیس جمهور عراق در اظهارات بسیار تندى گفت: «مسئولان ایرانی خوب می‌دانند که آنها به هیچ عنوان نمی‌توانند عراق را بلعند. هدف آن‌ها از بیان چنین اظهاراتی تنها یک «باج‌گیری» است... من از موضعگیری وزارت خارجه عراق در محکوم کردن چنین ادعاهائی حمایت می‌کنم... ما از قوه اجرائیه حکومت عراق می‌خواهیم که فرماندهان ایرانی را از مناطق درگیری دور کنند. اگر این فرماندهان برای مشاوره نظامی آمده اند پس جایشان در بغداد است و نباید در مناطق درگیری حضور داشته باشند.

سپاه پاسداران و شاخه برون مرزی آن سپاه قدس، مدت هاست در جنگ داخلی سوریه حضور دارد و با همکاری حزب الله لبنان به جنگ با نیروهای مخالف رژیم بشار اسد پرداخته است. آنچه این روزها معلوم شده آن است که سربازگیری از شیعیان منطقه و اعزام آن ها به کانون های درگیری اشکال باز هم وسیعتری به خود گرفته است. با به خاک سپاری تعدادی از شهیدان افغانی (فاطمیون) جنگ در سوریه و در مشهد بود که از این یارگیری و سازماندهی جدید پرده برداشته شد. روزنامه تسنیم در رثای عروج عاشقانه سرداران افغانستانی اسلام؛ توسلی، بخشی و دیگر هم‌سنگرانشان که خبرگزاری ها آنها را علیرضا توسلی ملقب به ابوحامد به

## نگاهی به اوضاع....

که فعل و انفعالات کنونی این مجلس با شایعات قوی در مورد قریب الوقوع بودن مرگ رهبر حساس شده است. علاوه بر این، سال آینده همزمان با انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز برگزار خواهد شد و هر جریانی که بتواند اکثریت و کنترل و ریاست مجلس خبرگان بعدی را بدست آورد، تعیین کننده رهبر آینده است.

در نظام دیکتاتوری ولایت مطلقه فقیه، گرفتن جایگاه ولی فقیه، یعنی حاکمیت مطلق بر همه چیز و از جمله بر بازار بزرگ اقتصادی کشور و این چیزی نیست که طبقات حاکم که بیت رهبری کنونی رهبر و حافظ منافع آنان نیز می باشد، حاضر به از دست دادنش باشند. اگر چه، جناح دیگر حکومتی به رهبری رفسنجانی نیز امیدهایی به کسب آن داشت و دارد. طی هفته گذشته، انتخاب ریاست مجلس خبرگان در زمانی که هنوز خامنه ای سر پا است، در میان چنین شرایط و حساسیتهایی برگزار شد که می تواند مقدمه ای بر تعیین رهبر بعدی باشد. مگر اینکه در آینده بر اثر حوادثی تناسب قوای جناحهای حکومتی تغییرات تعیین کننده پیدا کند.

بعد از مرگ مغزی طولانی مهدوی کنی در اواسط سال، تعیین ریاست مجلس خبرگان فعلی به سبب درگیری جناح های حکومتی به تعویق افتاده بود. این تاخیر باعث بروز شایعاتی می شد که ممکن است رفسنجانی از هم اکنون سکان مجلس خبرگان رهبری را در دست بگیرد و آن را اهرم تأثیر گذاری بر انتخابات بعدی نمایندگان این مجلس در سال آینده کند. هواداران دولت حسن روحانی و بطور کلی ائتلاف پیرو رفسنجانی در طیف وسیعی به این شایعات دامن می زدند. اما جنتی دبیر شورای نگهبان بیت رهبری، از قبل، حتی تفکر پیرامون این مسئله را یک توطئه خواند که با آن برخورد خواهد شد. درست قبل از جلسه اخیر این مجلس برای رای گیری و انتخاب رئیس آن، مهندس باهنر به صراحت هشدار داد که همه جریانات اصولگرا باید اختلاف هایشان را کنار بگذارند و ائتلاف کنند، چرا که در غیر این صورت، خطراتی متوجه سرکردگی آن ها خواهد شد. با نشست سران اصولگرا مصباح، یزدی و موحدی کرمانی در روز قبل از برگزاری انتخابات، این ائتلاف برقرار شد و حاصل آن رای 47 نفر از اعضای مجلس خبرگان به محمد یزدی یگانه نامزد اصولگرایان برای ریاست مجلس خبرگان بود. محمد یزدی از مخالفین معروف هاشمی رفسنجانی است. رفسنجانی در رقابت با یزدی فقط توانست به اندازه نصف آرای یزدی نظر خبرگان فعلی را به خود جلب کند.

خامنه ای پس از این انتخابات، در دیدار با اعضای مجلس خبرگان به صراحت نشان داد که این اوست که برای همه جناح ها تصمیم می گیرد و این بازی ها نمی توانند برای او تعیین تکلیف کنند. او شاید برای آن هایی که هنوز نمی دانند گفت: این انتخابات، بسیار متین، و بدون حاشیه های رایج برگزار شد و می تواند الگویی برای دیگر دستگاه ها باشد. این بدان معنی است که در انتخابات بعدی هم همین نتیجه دو بر یک می تواند مهندسی و نحلیل شود. انتخابات هیئت رئیسه مجلس خبرگان نشان داد، امید آفرینی به دست به دست شدن قدرت از طریق پارکشی های درون حکومتی و انتخابات مهندسی شده، بدون حضور قاطع، جدی و تعیین کننده مردم،

همانطور که از قبل هم قابل پیشبینی بود، یک توهم بی محتوی است و اصولگرایان قدرتمند متکی به بیت رهبری را نمی توان با این ترندها از میدان بدر کرد و جایشان را گرفت. صدور رای سنگین دادگاه برای پسر هاشمی رفسنجانی در پایان محاکمه او طی همین هفته و حمله موتور سواران به مطهری در روز روشن در شیراز طی هفته گذشته را نیز باید در راستای تجزیه و تحلیل پیش گفته مورد توجه قرار داد.

وضع اقتصادی در رکودی بی سابقه در رسانه های مجاز داخل کشور تهیه گزارش از وضعیت اسفبار اقتصاد و زندگی معیشتی مردم تقریباً ممنوع است. از آنجا که وضعیت عملاً سیاه است، گزارش واقعی اوضاع هم چیزی جز «سیاه نمایی» نخواهد بود. «سیاه نمایی» مدت هاست برچسب امنیتی خورده و روزنامه نگاری که مرتکب آن شود، احضار و در صورت تکرار این عمل، بازداشت و راهی زندان می شود. چنانکه شاهد بودیم، در سال گذشته، بر سر دستگیری و اعمال چنین خفقتانی به روزنامه ها و رسانه های مجاز رقابتی مرگبار در جریان بوده است و تقریباً تمام ارگان های امنیتی در این زمینه فعال بوده اند. اینجا و آنجا سخنانی پیرامون وضعیت اسفبار اقتصادی گفته می شود، اما انگار این وضعیت به تمامی از دولت قبلی به ارث رسیده و در دولت فعلی رو به بهبود گذاشته است. پافشاری بر سیاست های تعدیل، خصوصی سازی و حذف یارانه ها در شرایط ادامه تحریم ها، کاهش بیش از ۵۰٪ قیمت نفت، مواجهه با اثرات میان مدت فروپاشی تولید و بلا تکلیفی سیاسی حاکم بر کشور در دوران دولت اخیر و ادامه غارت های حیرت انگیز توسط لایه های انگلی سرمایه داری دلال و رانت خوار که بی مهابا ادامه دارد، اوضاع را از آنچه بوده وخیم تر کرده و امسال برای اولین بار رکود کامل بازار در پایان سال و به اصطلاح «شب عید» را شاهدیم که به گفته ناظران تا کنون بی سابقه بوده است.

و... نتیجه:

و البته، عدم قدرت خرید مردم، در عمل بازاری را به رکود می کشد که به نوبه خود بر چرخه تولید و بازتوزیع اقتصادی ضربه تازه مرگباری خواهد زد. حکومت در آستانه فروپاشی اقتصادی قرار می گیرد و چون راهی برای برون رفت خود نمی بیند و به غارتگری اقتصادی در راس و بدنه حاکمیت اعتیاد دارد، راه هر نوع اصلاحاتی در این زمینه را می بندد، و تنها راه برون رفت را در بازگشت به مذاکرات با غارتگران غربی و پذیرش حجم بیشتری از شرایط در آنسوی خطوط قرمز و نزدیک شدن کامل به خط تسلیم می بیند

**فرقه دمکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.**

**پیشرو**

و مژده مادران و خواهران آذربایجان به تمام مادران و خواهران ایران باشد  
در مقیاس کل ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۳۲ در دوره حکومت دکتر محمد مصدق، در طی رفراندومی زنان توانسته اند در صندوقهای رای حضور یافته و در انتخابات شرکت نمایند.

در طول یکصد سال گذشته زنان میهنمان با پشت سر گذاشتن تمام دشواری ها و زیر سایه سیاست های سرکوبگرانه رژیم های حاکم به هر طریق ممکن، و با اشکال گوناگون روز جهانی زن را جشن گرفته اند. جشن های ۸ مارس همه ساله عرصه ارزیابی دستاوردهای جنبش مبارزاتی زنان، بررسی شرایط عینی و ذهنی مبارزه، و تجدید عهد برای تلاش بیشتر برای غلبه بر موانع و دشواری های اجتماعی پیش رو بوده است. صفحات تاریخ معاصر میهن مان به حق شاهد مبارزات تحسین برانگیز زنان کشور در مقاطع تعیین کننده، همچون جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، جنبش ۲۱ آذر، جنبش ملی شدن صنایع نفت، مبارزات انقلابی بر ضد رژیم دیکتاتوری شاه، انقلاب بهمن ۱۳۵۷، مبارزه در راه صلح و برای خاتمه جنگ هشت ساله ایران-عراق، و مبارزه بر ضد سیاست های ارتجاعی رژیم "ولایت فقیه" بوده است.

سرکوب خشن حقوق زنان نزدیک بیش از سه دهه گذشته همواره با مقاومت قهرمانانه و مبتکرانه زنان میهن ما رو به رو بوده است. پیکار حماسی زندانیان سیاسی زن، در زندان های قرون وسطایی و در مقابله با شکنجه های ضد انسانی دژخیمان رژیم، از صفحات درخشان جنبش راهی بخش مردم میهن ما در پیکار بر ضد استبداد حاکم است. با این همه زنان میهن ما در طول این سالها با همکاری گسترده و ستودنی با جوانان، کارگران و دیگر زحمتکشان توانستند، صفحه درخشان دیگری در تاریخ مبارزاتی معاصر کشور ایجاد کنند باید تاکید داشت که علیرغم تمام دشواری ها و موانع، جنبش مستقل زنان میهن ما در سال های اخیر دستاوردهای ارزنده ای به همراه داشته است. ایجاد شمار زیادی از تشکل های صنفی و اجتماعی، تلاش تحسین برانگیز در زمینه بالا بردن آگاهی اجتماعی، خصوصاً در میان زنان زحمتکش، در کنار کار گسترده فرهنگی و اجتماعی بی شک نقش موثری در زمینه سازماندهی جنبش مستقل زنان میهن ما داشته است. موفقیت های بزرگ زنان میهن ما، در عرصه های علم و دانش، هنر و فرهنگ و ورزش علیرغم تمام محدودیت هایی که سد راهشان بوده است، تحسین جهانیان را برانگیخته است آنچه در صحنه مبارزات روزمره خلق های ساکن ایران به اثبات رسیده، نشان میدهد که جنبش مستقل زنان در همبستگی و هم پیوندی با دیگر نیروهای اجتماعی همچون کارگران و زحمتکشان و دانشجویان و جوانان می تواند راه گشای تحولات جدی آینده به سوی تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد

فرقه دمکرات آذربایجان روز همبستگی جهانی زن را به همه زنان جهان بویژه زنان کشورمان شاد باش می گوید.

گرامی باد روز همبستگی رزمجویانه زنان سراسر جهان

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

17 اسفند 1393

## اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

### به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن

#### زنان مبارز کشور

یکصد و پنج سال از کنفرانس بین المللی سوسیالیستها در کپنهاگ پایتخت دانمارک که پایه و مبنای روز جهانی زن را گذاشت، می گذرد. در ۲۷ اوت سال ۱۹۱۰ کلاراستکین یکی از مهمترین مدافع حقوق زنان از آلمان روز هشتم مارس (۱۷ اسفند) را بعنوان روز رزمجویانه زنان برای رفع تبعیض جنسی و برابری حقوق زنان و مردان پیشنهاد داد. صدها زن شرکت کننده در کنفرانس به نمایندگی از ۱۷ کشور، این پیشنهاد را تصویب و به اطلاع جهانیان رسانند. از آن تاریخ پیکار دشوار و پر از فراز و نشیب زنان جهان برای بدست آوردن برابری حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با حدت و شدت بیشتری آغاز شد که تا کنون دستاوردهای بزرگی با خود به همراه داشته است. در این راه مبارزه خستگی ناپذیر زنان جهان در راه عدالت جنسی و پیوند آن با مبارزه برای عدالت اجتماعی، صلح و آزادی و محیط زیست، دامنه اجتماعی این جنبش را هر چه بیشتر گسترش داده است. ما اطمینان داریم. پیوند هرچه بیشتر مبارزات جهانی زنان با نیروهای آزادیخواه و مترقی متضمن نجات جهان از شرایط دشوار و خطرناکی است که با آن دست به گریبان است.

هموطنان عزیز

در ارتباط با جنبش جهانی زنان برای کسب حقوق برابر، در ۱۷ اسفند ۱۳۰۱ به ابتکار زنان مترقی و پیشرو کشورمان نخستین جشن روز جهانی زن توسط "انجمن پیک سعادت نسوان" بر گذار شد. اما به صراحت می توان گفت که زنان آذربایجان اولین تجربه های عملی مشارکت های سیاسی و اجتماعی زنان ایران در دوران معاصر را پایه ریزی کرده اند. گواه این مدعا حضور پیشتازانه و ظلم ستیزانه ی زینب پاشا در دوران خفقان ناصرالدین شاه است. او جهت مبارزه، گروهی ۷ نفره از زنان تیریزی تشکیل داد. زنان مبارز آذربایجان با برقراری ارتباط با زنان ایرانی مقیم استانبول در دوران مبارزات انقلاب مشروطه، حوادث رخ داده در ایران را از طریق آنان به گوش جهانیان می رسانیدند. در یکی از جنگ های ستارخان با مخالفین مشروطه در گروه وی، جسد ۳۰ زن مشروطه طلب در لباس مردان پیدا شد.

در تاریخ ایران حق دادن رای برای زنان، انتخاب کردن و انتخاب شدن برای نخستین بار در دوره حکومت ملی آذربایجان) به سال ۱۳۲۴ و در سطح آذربایجان شناخته و اجرا شده است. روزنامه آذربایجان ارگان رسمی فرقه دمکرات آذربایجان در دوازدهم آذرماه ۱۳۲۴ می نویسد: "بگذار تمام ملل دنیا شاهد باشند که زنان آذربایجان با قلبی سرشار از عشق و امید در انتخابات مجلس ملی شرکت می کنند، زنانمان به این کفایت نخواهند کرد و در آینده محق خواهند بود بعنوان کاندید در انتخابات و تعیین سرنوشت خود و جامعه شرکت کنند. بگذار طالع مادرانمان بشکفتد و این هدیه

## نگاهی اجمالی به سیر تحولات در کشور عراق

جنگ در منطقه خاورمیانه، بخصوص در کشورهای عراق و سوریه، با شدت روز افزونی ادامه دارد و موجب به بار آوردن تلفات و خسارات جانی و مالی گسترده و غیر قابل جبرانی در این کشورها شده است. اما در این نوشتار بیشتر تحلیل سیر حوادث و رویدادهای جامعه عراق مورد نظر است.

یکی از ویژگی های جامعه عراق ترکیب متنوع ملی و مذهبی این کشور است. کشور عراق به سه منطقه عرب شیعه، عرب سنی و کردها تقسیم شده است. اکثریت جمعیت آن متعلق به عربهای شیعه می باشد. ولی از سال ۱۲۹۹ که عراق بعنوان یک کشور مستقل اعلام موجودیت نمود، با مداخله و صلاحدید کشورهای خارجی بخصوص انگلستان حاکمیت سیاسی عراق به عربهای سنی واگذار گردید. این هم به دنبال ذهنیت باقی مانده از زمان تسلط امپراطوری عثمانی بود که شیعه ها را به حاشیه سیاسی رانده بودند. انگلیسی ها هم مصلحت خود را در انطباق با سیاست زمان عثمانی دیدند. از آن پس حکومت های نوبتی که یکی پس از دیگری در عراق به حاکمیت رسیدند، تنها ویژگی اشان مبارزه بر سر قدرت (بین جناح های خودی) بود. در رابطه با حقوق شیعیان و کردها همان سیاست دیکتاتوری، دیکتاتورهای قبلی را اعمال می کردند و تغییرات در هرم حاکمیت هیچگونه دستاوردی برای احقاق حقوق شیعیان و کردها به همراه نداشت. به همین دلیل هم شیعیان و هم کردها در تمام این سال ها برای بدست آوردن حقوق انسانی خود، در حال مبارزه بودند.

بعد از پایان جنگ سرد، آمریکا در چارچوب به اجرا در آوردن "نظم نوین جهانی" و سیاست منطقه ای و خاورمیانه ای خود سرنگونی رژیم صدام حسین را در دستور کار قرار داد. هدف آمریکا برآن بود و هست که رژیم های مخالف خود را به هر طریقی سرنگون کند و مدل اقتصادی - اجتماعی، لیبرال دمکراسی را که هم تامین کننده ثبات سیاسی نسبی این کشورها و هم تامین کننده منافع اقتصادی و سیاسی جهان سرمایه داری باشد را جایگزین کند.

به همین خاطر در سال ۱۳۸۳ آمریکا با مداخله مستقیم و با جنگی ویرانگر، توانست رژیم صدام حسین را سرنگون کند. اما در کشور عراق به خاطر ویژگی هایی که به آن اشاره شد، ثبات سیاسی مورد نظر غرب تامین نگردید. زیرا احزاب سیاسی با گرایش های ملی و دینی مختلفی بویژه شیعیان، سنی ها و کردها سهم خود را از این تغییرات طلب می کردند. بدین ترتیب جامعه از نظر گرایش های سیاسی نیز به سه قطب سنی - شیعه و کردتقسیم گردید.

شیعیان در جریان تدوین قانون اساسی عراق و مذاکرات مربوط به آن خواهان سیستم فدرالی بودند. کردها نیز هم چنین. ولی عرب های سنی بدلیل ذهنیت تمامیت خواهی مبتنی بر ناسیونالیسم عربی با آن مخالفت نمودند و نگران تجزیه عراق در پروسه بعد از فدرالیته شدن آن. بدین ترتیب سنگ اول از همان ابتدا کج گذاشته شد. وهیچ وجه مشترکی که بیان کننده یک عراق متحد و یک پارچه باشد، در جامعه عینیت پیدا نکرد. شیعیان بدلیل داشتن اکثریت به حکمران اصلی در سیستم سیاسی عراق تبدیل شدند. ولی سنی های عراق حاضر به پذیرفتن دست بالا بودن شیعیان نشدند. در مقابل شیعه ها نیز

در سال ۱۳۸۳ شعبه القاعده عراق یعنی "داعش" نیز به وجود آمد و به انجام عملیات تروریستی پرداخت. نوری المالکی مقامات درجه اول سنی ها از جمله طارق هاشمی معاون رئیس جمهور را متهم به حمایت و سازماندهی ترور در عراق نمود و او را مورد پیگرد قانونی قرار داد. هاشمی مجبور به ترک عراق گردید. اول به قطر و بعد به ترکیه رفت و نقش مهمی را در رهبری سنی های ناراضی بر علیه مالکی ایفاء نمود. مالکی نیز برای سرکوب سنی ها اقدامات وسیع امنیتی را به اجرا در آورد و هزاران نفر را در مناطق سنی نشین به زندان انداخت. که به گفته مقامات دولت فعلی (دولت عبادی) تعداد زیادی از آنها بی گناه بوده اند. و دولت عبادی مجبور به آزاد کردن سه هزار نفر از آنها شد.

دولت نوری المالکی از سویی دیگر با کردها نیز از سیاست عدم تفاهم و سازش بر آمد. اختلافات اصلی میان کردها و دولت مرکزی عراق عبارت از سه مورد زیر است:

- اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی که بر اساس آن دولت مرکزی عراق و کردها می باست تا سال ۱۳۸۶ سرنوشت مناطق مورد اختلاف میان دوطرف، بخصوص شهر کرکوک را حل و فصل کنند. در این رابطه کمیسیونی نیز تشکیل گردید، ولی تا کنون به نتیجه قطعی نرسیده است. -

تدوین قانونی برای استفاده از استخراج، صادرات و فروش نفت و گاز بین طرفین - اجرای تعهدات دولت مرکزی عراق در قبال مسائل حقوقی پیشمرگ های کردستان. اینها از جمله موارد مورد اختلافی است که تا کنون میان دولت مرکزی عراق و دولت اقلیم کردستان لاینحل مانده است.

حمله داعش در تابستان ۱۳۹۳ نقطه عطفی در تشدید بحران عراق شد. بدین ترتیب داعش موفق شد بخش وسیعی از خاک عراق را اشغال نماید. ماهیت و شکل گیری داعش موضوع دیگری است که باید جداگانه به آن پرداخت. ولی اگر بخواهیم به نتایج این هجوم اشاره کنیم باید گفت که ظهور داعش در منطقه از جمله در عراق باعث حضور و دخالت هر چه بیشتر قدرت های جهانی و منطقه ای در خاک عراق گردید. که آن هم عواقب خاص خود در آینده این کشور خواهد داشت.

باید اشاره کرد که پیش بینی تاثیر عواقب حضور نیروهای بیگانه در خاک عراق بستگی به چگونگی تغییر و شکل گیری تناسب نیروهای داخل این کشور دارد. تقویت نظامی و حمایت های سیاسی و دیپلماتیک جهانی از کردهای عراق و سوریه عامل مهمی است که می تواند در آینده وضعیت ژئو سیاسی و جغرافیایی منطقه بویژه عراق تاثیر گذار باشد. و در نتیجه نهایی از نظر زمانی هرچه بیشتر این بحران ادامه یابد، شرایط برای تحکیم حضور قدرت های جهانی و منطقه ای بیشتر خواهد شد. و در این بازی خطرناک و سرنوشت ساز بازنده اصلی مردم و برنده کشورهای مداخله گر می باشد.

جامعه عراق از نظر ذهنی و تمایلات سیاسی و ایدئولوژیکی آمادگی نظام فدرالیسم را دارد. کارشناسان امور عراق بر این باورند که تنها راه حلی که می تواند به بحران عراق خاتمه دهد، وجود یک ساختار سیاسی فدرال و حضور یک پارچه مردم با هر گرایش دینی، سیاسی و ملی در سرنوشت کشور است. تنها اراده خلقها است که در نهایت مهر خود را برای پایان دادن به هر بحرانی خواهد زد.

## مرحله نوین نهضت ملی آذربایجان



عمل مرتجعین را نقش بر آب کرد. انجمن ایالتی آذربایجان وظیفه مجلس ملی ایران را برعهده گرفت و جان تازه ای به انقلاب مشروطه داد. در این مرحله ستارخان و باقرخان رهبری مبارزات مسلحانه را برعهده گرفتند و علی میسبو و همزمان سوسیال دمکراتش اساس ایدئولوژی نهضت مشروطه را پایه گذاری کردند. نهضت مشروطه از کوچه امیر خیزی تبریز به تمام شهر و از تبریز به سراسر ایران گسترش یافت. محمدعلی شاه از سلطنت کنار گذاشته شد، مجلس ملی دوباره آغاز بکار کرد و مشروطیت به وضعیتی غیر قابل برگشت تبدیل شد. این روند و جریان ها مصادف بود با جنگ جهانی اول. در این دوران قوای روس آذربایجان را اشغال کردند اما نتوانستند پایه و اساس مشروطه را متزلزل کنند. در چنین شرایطی دولت عثمانی نیز قوای خود را وارد ایران کرد و به دفاع از مشروطه خواهان پرداخت. در نهایت جنگ جهانی اول با شکست آلمان و دولت عثمانی، یکی از متفق های آن به پایان رسید. اراضی دولت عثمانی در بالکان و خاور میانه، مستعمره انگلیس و فرانسه شدند. مصادف با این حوادث انقلاب اکتبر در روسیه، به سقوط امپراتوری در این کشور منجر شد. دولت شوروی که در اراضی امپراتوری روسیه تشکیل یافته بود، قرار دادهای استعماری دوران امپراتوری با ایران را لغو نمود. بدین ترتیب دولت استعمارگر انگلیس از شرایط بوجود آمده استفاده کرده، ایران را بطور کامل تحت نفوذ و مستعمره خود ساخت. در چنین زمانی جنبش خیابانی در آذربایجان، جنبش جنگل در شمال و جنبش کلنل محمد تقی خان پسیان بدون اینکه ارتباط و هماهنگی با یکدیگر داشته باشند، بطور جداگانه در مناطق مختلف پیروز شدند اما این پیروزی ها چندان دوام نیافت. رضاخان که با نقشه، کمک و حمایت مستقیم استعمار انگلیس به قدرت رسید بود، ضمن براندازی حکومت سلسله قاجار این جنبش ها را نیز ناکام گذاشت.

جنگ جهانی دوم درصدد از میان برداشتن تضاد موجود میان دو امپریالیزم بود. آلمان که بازنده جنگ جهانی اول بود، سعی داشت در شرق روسیه و در غرب انگلیس را تحت اشغال خود درآورد. اوایل جنگ جهانی دوم آلمان توانست به استثنای روسیه، اروپای شرقی و غربی را تحت اشغال خود در آورد.

آذربایجان همواره نقش پل ارتباطی میان شرق و غرب را داشته است. این نقش در مراحل مختلف تاریخ متناسب با شرایط زمان شکل گرفته و ایفا شده است. مرکز حکومت ایل خانیان آذربایجان بود. دوران صفویه هم ادامه دوران ایل خانیان است. در این دوران روابط خارجی ایران از طریق آذربایجان صورت می گرفت. جاده ابریشم از طریق آذربایجان چین و آسیای مرکزی را به اروپا متصل می کرد. کالا اصلی تجاری آذربایجان و شمال ایران در این دوران ابریشم بود و تجار ونیزی برای داد و ستد این کالا نمایندگی های خود را در آذربایجان تاسیس کرده بودند. آنها کالاهای خریداری شده را از طریق آسیای صغیر به اروپا حمل می کردند. بعد از اینکه قسطنطنیه به دست دولت عثمانی افتاد، این مسیر تجاری تغییر کرد و بجای آسیای صغیر از قفقاز و دریای سیاه گذشت. در آغاز قرن ۱۹ میلادی امپراتوری روسیه قفقاز، و در اواسط همین قرن آسیای مرکزی را اشغال و ضمیمه خاک خود نمود. بدین ترتیب ایران به کانون منافع استعماری و نفوذی روس و انگلیس تبدیل شد و حکام ایران برای حفظ موجودیت خود، خود را هماهنگ با منافع سیاسی و اقتصادی این دو امپراتوری کردند. اما ملت های موجود در ایران با این شرایط یعنی مستعمره شدن کشور آشتی نکرده و به مقابله برخاستند. دولت های روس و انگلیس برای غارت و چپاول ثروت ملی ملت های موجود در ایران به بستن قرار دادهای مختلف و متعدد با حکام ایران متوسل شدند. یکی از این قرار دادهای، قرار داد انحصار تنباکو بود. ملت های موجود در ایران بر علیه این قرار داد قیام کرده و در این مبارزه پیروز شدند. ترور ناصرالدین شاه توسط میرزا رضا کرمانی و از میان برداشته شدن حکومت مستبد آن که نزدیک به پنجاه سال طول کشید، موجب گسترش و همه گیرتر شدن مبارزات در راه آزادی در میان توده مردم شد. در اصل نطفه انقلاب مشروطه نیز در دوران نهضت تنباکو بسته شد. آغازگر انقلاب مشروطه روحانیون روشنفکر آیت اله بهبهانی و طباطبایی بودند. این جنبش با رفتار بد علاء الدوله نسبت به تجار تهران وسعت تازه ای یافت. مردم به کوچه ها ریختند و بسیاری از آنها در شاه عبدالعظیم به بست نشستند. در نهایت مظفرالدین شاه در مقابل انقلاب مشروطه تسلیم شد و در سال ۱۲۸۵ فرمان مشروطه شدن سلطنت را امضاء نمود. قانون اساسی نوشته شد، مجلس ملی تشکیل گردید و نمایندگانی از طبقات مختلف مردم به مجلس راه یافتند. قانون اساسی در مجلس موافقت تصویب شد و ایران دارای قانون اساسی شد. بدین ترتیب ایران به کشوری با سیستم شبه اروپایی تبدیل گردید. اما بعد از مرگ مظفرالدین شاه و به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه اوضاع تغییر کرد. محمدعلی شاه به مخالفت با مشروطیت برخاست، مجلس را به توپ بست و بسیاری از نمایندگان را زندانی نمود. بعضی از نمایندگان که جان سالم بدر برده بودند در سفارت انگلیس به بست نشستند. انقلاب مشروطه در آستانه سقوط قرار داشت که آذربایجان این نقشه و

## مرحله نون.....

اشغال روسیه و انگلیس نیز در دستور کار قرار داشت. این نقشه با حمله غافلگیرانه به روسیه عملی شد. اما رژیم اجتماعی که به عدالت اجتماعی تکیه داشت، خواب آقایی بر جهان امپریالیسم آلمان را نقش بر آب کرد و قوای متفقین توانستند در نهایت پیروز جنگ شوند. در جنگ جهانی دوم ایران که کانون منافع استراتژیک امپریالیسم شرق و غرب بود، به یکی از نقاط حساس و فعال جنبش های آزادی بخش تبدیل شد. قوای شوروی در شمال و شمال شرقی و قوای انگلیس در جنوب و جنوب غربی کشور مستقر شدند. ایران بر سر دو راهی قرار گرفت. شکست فاشیسم و پیروزی نیروهای دمکرات می توانست در ایران نیز به پیروزی دموکراسی منجر شود. اما انگلیس و آمریکا که از برندگان جنگ جهانی دوم بودند از نظم نوین جهانی بوجود آمده نه در جهت تامین حقوق و منافع ملت ها، بلکه در راستای منافع امپریالیستی خود استفاده کردند و این امر مانع از ایجاد یک دولت دموکراتیک در ایران شد. علیرغم همه این مشکلات، آذربایجان توانسته بود در دوران جنگ آزادی های دموکراتیک را حفظ و از آن پاسداری نماید. در چنین زمانی ضرورت تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان بعنوان یک سازمان ملی و همه گیر بوجود آمد و این سازمان به رهبری پیشه وری انقلابی، مبارز و وطن پرور تشکیل گردید. جای مجلس ملی را که در دوران جنبش مشروطه به توپ بسته شده بود را، انجمن ایالتی آذربایجان گرفت. تشکیل پایگاهی برای حفظ و پاسداری از آزادی و اصول دموکراتیک در ایران مسئله روز بود. تشکیل چنین پایگاهی تنها در آذربایجان میسر بود. حکومت ملی آذربایجان که با رهبری فرقه دموکرات بوجود آمده بود، حقیقا هم آذربایجان را به پایگاه حفظ آزادی و اصول دموکراتیک تبدیل نمود.

اواخر جنگ جهانی اول انگلیس با به قدرت رساندن رضاخان، آزادی هایی را که با پیروزی نهضت مشروطه بوجود آمده بود را نابود کرد و زمینه را برای دیکتاتوری سپاه رضاخانی فراهم ساخت. در اواخر جنگ جهانی دوم تاریخ مجددا تکرار شد. این بار دول انگلیس و آمریکا محمدرضا، پسر رضاخان را به قدرت رسانده، از او پشتیبانی کردند و برای نابودی نهال آزادی در ایران، آذربایجان را غرق در دریای خون کردند. بدین ترتیب دیکتاتوری محمد رضا ۳۷ سال دوام یافت. انقلاب بهمن ۱۳۵۷ توانست نماد دیکتاتوری یعنی شیوه حکومت سلطنتی را نابود کند اما طولی نکشید که دیکتاتوری مجددا برقرار شد و آزادی های دموکراتیک از میان برچیده شد.

تاریخ در جای خود نه ایستاده و درجا نمی زند، آرام آرام به حرکت خود به جلو ادامه می دهد. در دوران اخیر برخی اصلاحات دموکراتیک در ایران، اصلاحاتی که با خواست و اراده مردم صورت گرفته، توانسته تا حدودی چارچوب دیکتاتوری را محدود نماید و بهبودی بودن مقابله مرتجعین با آزادی را به اثبات رساند. امروز هدف اصلی در ایران برقراری آزادی و اصول دموکراتیک است. یعنی برقراری دموکراسی، آزادی بیان و قلم، عقیده و مسلک، آزادی تشکیل تشکل های سیاسی و صنفی، ایجاد سیستم دولتی غیر متمرکز، دادن خود مختاری به ملت های موجود و در یک کلام تبدیل ایران به کشوری با اصول دولتی فدرال دموکرات. انجمن هایی که در دوران نهضت مشروطه بوجود آمد، نهضت های آزادی سال های ۱۲۹۸ و ۱۳۰۰ در آذربایجان، گیلان و خراسان، حکومت های ملی آذربایجان و کردستان که با رهبری پیشه وری و قاضی محمد بوجود آمد، جنبش ملی و دموکراتیک دکتر مصدق که منجر به محدودیت رژیم سلطنتی شد و بالاخره انقلاب بهمن ۵۷ و تشکیل جمهوری، از اقدامات مهم و انقلابی بودند که در این راستا صورت گرفتند. حکومت ملی آذربایجان و مجلس ملی آذربایجان نطقه اوج این جنبش ها در یکصد سال اخیر بودند. حکومت ملی آذربایجان نمونه بارز و واقعی مردم سالاری بود. در این دوران مردم به خواست ها و آرزوهای خود نائل شدند. هدف اصلی در آن زمان

گسترش آزادی و اصول دموکراتیک از آذربایجان به تمام ایران بود. علیرغم اینکه همه این تلاش ها و نهضت ها با مداخله نیروهای خارجی استعمارگر سرنگون شدند، ایران امروز نیز بر سر دو راهی قرار دارد. هر فرد مبارز و سیاسی روشنفکر باید تاریخ این دوران را عمیقا درک کرده، حوادث رخ داده در این دوران را از نظر علمی تحلیل کند و با درس عبرت گرفتن از اشتباهات گذشته، مانع از تکرار ناکامی ها شود. غرق در احساسات و تعصبات شخصی، حتی ملی شدن و خاص را بر عام ترجیح دادن، در مرحله تاریخی امروز بزرگ ترین و نابخشودنی ترین اشتباه خواهد بود.

برنامه ها و اهداف فرقه دموکرات آذربایجان که در نخستین کنگره آن به تصویب رسیده بود، امروز نیز مسئله روز بوده، اهمیت خود را نشان می دهد. تجربه تاریخ انقلاب ها یکصد سال اخیر ایران، درست بودن خط مشی فرقه دموکرات آذربایجان را یکبار دیگر ثابت می کند. امروز جنبش بیداری ملی آذربایجان قدم به مرحله جدیدی گذاشته است. در حال حاضر با در نظر گرفتن جایگاه ویژه هر یک از عوامل داخلی و خارجی می توان گامهای موثر و درست تری برداشت. در زمان شوروی، مبارزات طبقاتی کشورهای جهان سومی از مبارزات ملی در ارجحیت قرار داشت. بعد از فروپاشی شوروی علیرغم وجود اختلافات طبقاتی، تنظیم و هماهنگی روابط بین ملت ها از مسایل مهم و روزمره جهان شده است. شکل گیری و تکمیل روند و پروسه درک هویت ملی در میان ملت های عقب نگهداشته شده جهان به سرعت در جریان بوده و به شکل برجسته ای خود را نشان می دهد. در شرایط تاریخی کنونی، علیرغم اینکه در مبارزات ملی عامل داخلی نقش اساسی را ایفا می کند، عامل خارجی بیشتر حل کننده و تعیین کننده است. همگرایی اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد، کشورها را از تکروری و انزوی اقتصادی بیرون آورده، سیستم اقتصادی واحدی را در دنیا بوجود آورده است. این سیستم از لحاظ رشد و توسعه خود در مراحل مختلفی قرار دارد. جنبش و بیداری ملی در زمان حاضر با بیداری و جنبش های ملی قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی فرق داشته، به رشد و توسعه اقتصادی چندان بستگی ندارد. امروز مسئله بیداری ملی همزمان با ایران که کم و بیش از توسعه برخوردار است، در کشورهای عقب نگهداشته شده ای همچون افغانستان نیز خود را نشان می دهد. البته طبیعی است ملت هایی که در مسند قدرت و دارای دولت حاکم هستند، با بیداری ملی مخالف بوده و نمی خواهند با نیاز و شرایط زمانه هماهنگ شوند. علیرغم این، مبارزه در راه دستیابی به حقوق ملی در ایران بطور آشکارا و برجسته ای در جریان بوده و خود را نشان می دهد. دیگر انکار و نادیده گرفتن فرهنگ و زبان ملی ملت های موجود در ایران غیر ممکن است. چاپ نشریات به زبان ترکی آذربایجانی نمونه بارز این مدعا است. در این راستا اقدامات رادیکال تری در افغانستان و عراق برداشته شده است. در قانون اساسی افغانستان که به تازگی تصویب شده، دو زبان پشتو و فارسی دری بعنوان زبان رسمی دولت تصویب شده و زبان اقلیت های ملی ترکمن، ازبک، بلوچ، هزاره و دیگر ملت ها، در مناطق مسکونی شان علاوه بر آن دو زبان بعنوان زبان رسمی تصویب گردیده است. در عراق نیز تشکیل دولتی فدرال مسئله روز شده و مورد مذاکره قرار گرفته است و در قانون اساسی آینده عراق یقینا این مسئله انعکاس خواهد یافت. بدین ترتیب مشاهده می شود که در حل مسئله ملی هر دو عامل داخلی و خارجی نقش ایفا می کنند.



## یولداش واله قلی زاده



آذربایجان دموکرات فرقه سینین یئنی صدرین بیوقرافیاسی یولداش واله قلی زاده رضا اوغلو 21 اردیبهشت 1317 (10 مای 1938) تاریخینده اردبیل شهرینین «خوروزلو» کتدینده اکینچی بیر عایله ده آنادان اولوب.

اونون آتاسی رضا قلی زاده حسی اوغلو 1290- جی (1911) ایلینده اردبیلین «آق ایمام» کتدینده اکینچی عایله سینده آنادان اولموشدور. او، جاوانلیغیندا یاخین قووم لاری ایله باکی یا گدیپ و 1317- جی (1938) ایله قدر باکی نین «ایچری شهر» محله سینده یاشاییب و نفت صنایع سینده فعله ایشله ییب. همین ایلده رضا قلی زاده عایله سی ایله بیر برده باشقا ایرانلیلار کیمی نوز تولکه سینه ایرانا قایتمالی اولوب، یئنین اردبیل محال یندا مسکون لاشیلار. 1324-25 جی ایللرده (46-1945)، ایراندا اینقلابی حرکت لر گوجلنه ننده، رضا قلی زاده آذربایجان دمکرات فرقه سی سیرالارینا قبول اولوندو. بوتون قوه سینیی و امکاتلارینی انقلابی مبارزه یه حصر اتمیشدیر.

یولداش واله قلی زاده ائله همان آز یاشیندان آتاسینین یولو ایله اددیم آتدی و «هامارکنده» محالینین تشکیلات صدری صفر بابا بندی ایله تشکیلاتی ایشلرده امکداشلیغا باشلادی. او، اردبیل محالینین کسگین ساختاسیندا، صفر بابانین سفارشی ایله فرقه فدائی لرینی مختلف ایستقامت لرده مشایعت اتمیش و آتاری کنده قایتاریردی. بونا گوره ده همیشه صفر بابا طرفیندن آلفیشلانیردی. 1325- جی ایلین آذر آیندا (دکابر 1946)، 21 آذر حرکتی داخلی و خارجی ارتجاعی قوه لرینین بیرگه امکداشلیغی نتیجه سینده تاپدالاندی. شاه اوردوسونون ضابترلی قلی زاده لرین کنده کی اونیته هجوم ائتدیلر. اونلار واله یین آتاسینی توتوب نامعلوم ایستقامته گوندردیلر و انولرینی ویران ائتدیلر، آناسی و باجیلارینی یاخین قووم لار گیزلندیلر. یولداش واله ایسه کیچیک قارداشلاری ایله کسگین ساختا و قارلی گنجه ده قاپی و پنجره لری سیندیرلمیش بیر اوتاقدا گیزلنمه لی اولدولار. سابهیسی سحر و اختی، یولداش واله باشا دوشدو کی، هر ایکی بالاجا قارداشلاری ساختادان دنوب هلاک اولوبلار.

جوخ ایشگنجه لره معروض قالان، 3 ایل عذاب - انیت دن و قاچاق یاشیان دان سونرا، نهایت واله یین آتاسی تعقیب لردن یابیناراق، 1328- جی ایلین آذر آیندا (دکابر 1949)، عایله سی ایله بیرلیکده «بیله سوار» طرفیندن سووت آذربایجانینا مهاجرت ائتدیلر.

اونلار شامخی رایونوندا اوزومچولوک ساوخوزوندا مسکون لاشدیلار.

یولداش واله قلی زاده اورتا مکتبی همین یرده بیتیردی و 1338 (1959)- جی ایلده قوبا شهرین کند صنایع یین عالی تخنیکوموندا اکینچیلیک شعبه سینده داخل اولدو. او، تحصیل و اقی نمونه وی طلبه کیمی خاچماز محالیندا اولان قوسارچای علمی - تجربه شعبه سینده کیچیک علمی ایشلرده ایشله میشدیر. 1343 (1964)-نجی ایلده واله قلی زاده تخنیکومو بیتیردیکدن سونرا، ساعتلی صابیرآباد منطقه سینده نظامی ادینا کالخورزدا باش کشاورزی مهندسی وظیفه سینده ایشه باشلادی. یولداش واله قلی زاده ائله طلبه و اختیندان اجتماعی،

واله قلی زاده عایله لیدیر و 5 اوشاغی وار.

## مصاحبه با رفیق واله قلی زاده

صدر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان رفیق واله قلی زاده، ابتدا از طرف هیات تحریریه روزنامه آذربایجان و سایت فرقه دمکرات آذربایجان انتخاب شما را به عنوان صدر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان تبریک می گوئیم. همچنین از اینکه در میان انبوه کارهای آغاز کارتان، وقتی برای مصاحبه با ما در نظر گرفتید، از شما تشکر می کنیم.

سؤال: شما در ۷۰- مین سال صدور بیانیه تاریخی ۱۲ شهریور و تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان و تشکیل حکومت ملی خودمختار آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴، به عنوان صدر کمیته مرکزی انتخاب شده اید. با توجه به گذشت این سالها، آیا از نظر رهبری فرقه، مضمون اصلی بیانیه ۱۲ شهریور و برنامه سیاسی فرقه با شرایط سیاسی و اجتماعی امروز ایران مطابقت دارد؟

جواب: بیانیه ۱۲ شهریور و نهضت ۲۱ آذر تاریخی هستند، نه به علت آنکه فقط در یک تاریخی روی داده و به ثبت رسیده اند. تاریخی هستند، برای اینکه هنوز زنده هستند، برای اینکه هنوز هم نهضت ۲۱ آذر مضمون زنده بیانیه را در ایده های خود در طول ۷۰ سال حمل می کند، برای اینکه در تمام این سالها مضمون بیانیه و شکل تحقق آن در نهضت ۲۱ آذر الگو و آموزشی برای کشورها و مناطق دیگر شده است.

مضمون اصلی بیانیه ۱۲ شهریور که منجر به تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان گردید و هسته اصلی برنامه فرقه را تشکیل می دهد، با تاکید بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، خواستار خودمختاری اداری و فرهنگی و اقتصادی در آذربایجان از طریق تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی مصرح در قانون اساسی، آزادی داخلی، تدریس و کاربرد زبان ترکی آذربایجانی در مدارس و ادارات در کنار زبان سراسری فارسی، مصرف نیمی از مالیاتهای وصول شده از آذربایجان در خود آذربایجان، افزایش کرسیهای نمایندگان آذربایجان در مجلس شورا مناسب با جمعیت آذربایجانها و به طور خلاصه، خواهان شرکت خلق آذربایجان در تعیین سرنوشت خود گردیده بود.

سید جعفر پیشه وری و یارانش در فرقه دمکرات آذربایجان با توجه به استقبال شورانگیز و قاطع اهالی سراسر آذربایجان در آن زمان و شرایط مناسبی که بدین ترتیب ایجاد شده بود، راساً وارد عمل شدند و همان طور که در همان بیانیه ۱۲ شهریور تصریح نموده بودند، ابتدا از آذربایجان که خانه ما است شروع کردند. آنها ایمان داشتند که «اصلاح و ترقی آذربایجان موجب ترقی همه ایران خواهد شد و بدین طریق میهنمان ایران از دست قلدرها و مرتجعین نجات خواهد یافت» اما رژیم مرتجع سلطنتی با حمایت ارتجاع خارجی، دولتهای امپریالیست آمریکا و انگلیس، پس از یکسال و

به بهانه تأمین و تدارک انتخابات سراسری، ارتش شاهنشاهی را به آذربایجان گسیل داشت و با زیر پا نهادن عهدنامه های دو طرف، به سرکوب خونین اهالی آذربایجان و حکومت ملی خود مختار آذربایجان اقدام نمود.

پس از سه دهه، در سال ۱۳۵۷، خلق آذربایجان از پیشگامان انقلاب ۲۲ بهمن علیه حکومت وابسته و دیکتاتوری و ارتجاعی شاه بود و نقش بسزایی در پیروزی انقلاب ایفا نمود. سلطنت لغو گردید و جمهوری اسلامی جایگزین آن شد. مردم آذربایجان نیز همانند همه اهالی کشور انتظار داشتند اهداف انقلاب، از آن جمله آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلقهای ساکن کشورمان تأمین گردد و ستم و تبعیض های ملی از میان برداشته شود. ولی این بار نیز ارتجاع داخلی که به تدریج سکان حاکمیت بر آمده از انقلاب را به دست گرفته بود، اهداف انقلاب ۲۲ بهمن را زیر پا نهاد و مجدداً سرکوب خونین مبارزات خلقها علیه ستم ملی و تبعیضها آغاز گردید که تا کنون نیز ادامه دارد. بدین ترتیب، مضمون اصلی بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ و برنامه سیاسی فرقه دمکرات آذربایجان، صرف نظر از شکل تحقق آن در شرایط کنونی، همچنان با شرایط سیاسی اجتماعی ایران در حال حاضر مطابقت دارد و مضمون اصلی مبارزه و سعی و کوشش فرقه دمکرات آذربایجان را تشکیل می دهد.

سؤال: در ایران، خلقهای دیگری نیز زندگی می کنند که به درجات مختلف از ستم و تبعیض های ملی رنج می برند. نظر شما در باره منشاء ستم ملی در ایران و مناسبت میان خلقهای ساکن در ایران چیست؟

جواب: در ایران خلقهای گوناگونی زندگی می کنند: فارسها، آذربایجانها، کردها، بلوچها، عربها و سایر اقلیت های ملی و مذهبی کوچک. این خلقها دارای سرزمین، زبان، آداب و رسوم ویژه خود هستند. ایران میهن مشترک همه این خلقها است. آنان صدها سال سرنوشت مشترکی داشته اند و در ایجاد و موجودیت فرهنگ و تمدن غنی ایرانی شریک هستند و در برابر هجوم دشمنان خارجی و بیگانگان، دوشادوش یکدیگر برای دفاع از استقلال و آزادی ایران فداکاری کرده اند.

ما خواهان برابری حقوق کامل خلقهای ایران و اقلیتهای مذهبی، حق خودمختاری اداری و فرهنگی خلقها و حق تعیین سرنوشت خلقها در حکومت جمهوری فدرال ایران هستیم.

ولی تا کنون، رژیم های دیکتاتوری و استبدادی حاکم بر خلقهای ایران، چه به شکل سلطنتی سابق و چه به شکل جمهوری ففاهتی کنونی، منافع غارتگرانه و موجودیت خود را به همه خلقهای ایران تحمیل کرده و اعتراضات همه خلقها را سرکوب می کند.

به عقیده ما، منشاء تبعیضها و ستم ملی در ایران سلطه و برتری طلبی هیچ یک از خلقهای ایرانی بر دیگری نیست. ستم ملی و تبعیض های گوناگون علیه خلقها و اقلیت های ملی و مذهبی از سیاستهای خود کامانه و غارتگرانه طبقات حاکم در مرکز سرچشمه می گیرد و منسوبیت ملی گارگزاران حکومتی در این مورد نقش ندارد.

سؤال: نظر رهبری فرقه درباره مشکلات عظیم و عمومی مردم ایران و مبارزات آنها، و ارتباط این مبارزات با مبارزه در راه کسب حقوق ملی خلقها چیست؟

جواب: همانطور که میدانید، بعد از سرکوب خونین نیروهای مترقی و حامیان انقلاب، ارتجاع داخلی نفوذ و جایگاه خود در

## مصاحبه با رفیق

حاکمیت پس از انقلاب را مستحکم کرد ، اهداف سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی انقلاب بهمن را به کنار نهاد و برای تامین منافع طبقات و اقشار ستم گر و غارتگر ، دیکتاتوری ولایت مطلقه فقیه را بر مردم ایران حاکم گردانید.

اکنون ساکنان کشور ما ، از هر خلق و اقلیت ملی و مذهبی که باشند ، زیر ستم مستبدان حاکم و به طور مشترک از آزادی ، دمکراسی ، عدالت اجتماعی ، زندگی صلح آمیز و آسوده محروم گشته اند . محرومیت از حقوق ملی و تبعیض ها نیز بخشی از محرومیت ها است که به شکل مضاعف بر خلقهای ایران و اقلیتها تحمیل می گردد.

طی سالیان اخیر ، هموطنان ما در ایران ، کارگران ، دهقانان ، معلمان ، پیشه وران ، پرستاران ، زنان ، دانشجویان و جوانان ، فارغ از اینکه به کدام خلق و اقلیت ملی و دینی تعلق دارند ، در هر فرصت و به هر شکل ممکن ، اعتراضات جمعی خود را به نمایش می گذارند و خواستههای خود را اعلام می کنند . همچنین برای همه گروه ها و دسته های مردم و خلقهای ایران مشخص گردیده که سد اصلی تغییرات به نفع مردم ، رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه است.

ما اعتقاد داریم که در شرایط کنونی ، جنبشهای ملی فقط در پیوند با جنبشهای سایر گردانهای اجتماعی سراسری می توانند مبارزات خود را پیش ببرند.

حتی بیانیه 12 شهریور سید جعفر پیشه وری و برنامه فرقه دمکرات و حکومت ملی برای آذربایجان در سال 1324 نیز دقیقاً بر همین اساس تنظیم شده بود که در جهت کاهش و رفع همه محرومیتهای پیش گفته اقدام شود . به همین دلیل بود که قاطبه ساکنین آذربایجان ، دهقانان ، روشنفکران ، کارگران ، پیشه وران ، زنان ، جوانان و حتی بخشی از ملاکین و روحانیون نیز به سید جعفر پیشه وری و فرقه دمکرات ملحق شده و در حکومت ملی آذربایجان شرکت فعال داشتند.

سؤال : فرقه دمکرات آذربایجان طی 70 سال موجودیت خود چه روابط و همکاریهایی با دیگر احزاب و سازمانهای مترقی و آزادی خواه ایران داشته و آینده چنین همکاریهایی را بر مبنای چه اصولی لازم و ممکن می داند؟

جواب : فرقه دمکرات آذربایجان نه در حرف ، بلکه در عمل و در صحنه اصلی مبارزه با ارتجاع و استعمار برای آزادی و ترقی ایران ، هم در مقیاس منطقه ای و هم در جنبش سراسری خلقهای ایران ، با دیگر احزاب و نیروها و افراد مترقی همکاری و شرکت فعال داشت.

قبل از تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان در سال 1324 ، احزاب انقلابی و مترقی دیگری در صحنه مبارزه با ارتجاع و استعمار حضور فعال داشتند . موضوع رفع ستم ملی مورد توجه برخی مبارزان صدر مشروطه قرار داشت و بعدها به شکل حق تعیین سرنوشت خلقها در اوایل قرن بیستم توسط کمونیستهای قدیمی در ایران مطرح گردید . حتی خود رفیق پیشه وری نیز قبلاً از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست قدیم ایران بود و به همین دلیل 10 سال در زندان رضا شاه به سربرد . با این حال ، این حزب توده ایران بود که از بدو تاسیس و فعالیت خود در سال 1320 ، موضوع ستم ملی و مبارزه برای کسب حق تعیین سرنوشت خلقها را به شکل وسیع و پیگیر در سراسر کشورمان گسترش داد.

مدت کوتاهی پس از بیانیه 12 شهریور و تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان ، سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان ، با برگزاری و تصمیم کنفرانس ایالتی خود ، به شکل یکپارچه و

با 60 هزار عضو سازمان یافته به فرقه دمکرات آذربایجان پیوست . بدین ترتیب ، همکاری همه جانبه توده ایها و فرقه چی ها آغاز گردید . همچنین ، حزب توده ایران بسیاری از افسران سازمان نظامی خود را با ملیتهای گوناگون و از نقاط مختلف کشور ، به آذربایجان اعزام نمود که در سازمان دهی و آموزش نیروهای انتظامی حکومت ملی آذربایجان نقش برجسته ای ایفا کردند.

با فاصله زمانی کمی پس از موجودیت دولت خودمختار آذربایجان ، هموطنان کرد ما نیز با «شعار دمکراسی برای ایران - خود مختاری برای کردستان» در تاریخ 2 بهمن 1324 جمهوری خود مختار کردستان را در مهیاد تشکیل دادند . این دو دولت خودمختار از همان ابتدا ، با بهترین روابط برادرانه ، در همه عرصه ها یار و یاور هم بودند و همکاریهای وسیع و مشترکی داشتند.

در همان سال 1324 ، «جبهه متحد احزاب آزادی خواه» متشکل از 6 سازمان سراسری و منطقه ای ، مرکب از حزب توده ایران ، حزب ایران ، حزب سوسیالیست ایران ، حزب جنگل ، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان تشکیل گردید . بیانیه این جبهه ، هدف خود را مبارزه مشترک برای شکست کامل عناصر ارتجاعی و دست نشانگان استعمار و مخالفان اصلاحات در جهت ریشه کن کردن استعمار و برای استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و آزادی و ترقی ملت ایران اعلام کرد . همچنین ، این جبهه «شورای متحد مرکزی کارگران ایران» را به عنوان یگانه سازمان واقعی کارگری ایران به رسمیت شناخته و مبارزات خود را به جنبش اصیل طبقه کارگر ایران پیوند زد.

با این حال ، همکاری و اتحاد عمل صمیمانه حزب توده ایران ، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان به دلیل نزدیکی مواضع ایدئولوژیک و پراتیک ، وسعت و عمق و عمر بیشتری یافت . همکاری تنگاتنگ حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان ، سرانجام به وحدت سازمانی این دو حزب در جریان کنفرانس وحدت در سال 1339 منجر گردید . اکنون نیز روابط برادرانه دو حزب ادامه دارد.

فرقه دمکرات آذربایجان در چهارچوب برنامه و خط مشی خود ، همواره آماده اتحاد عمل و هماهنگی و همکاری با احزاب سیاسی مترقی و ضداستبدادی بوده و از پیشنهادات سازنده استقبال نموده و استقبال خواهد کرد.

رفیق قلی زاده ، با تشکر از شما که به ما وقت دادید و مواضع رهبری فرقه دمکرات آذربایجان را به اطلاع خوانندگان ما رساندید. در همین جا ، فرارسیدن نوروز و آغاز سال نو را به شما تبریک می گوئیم و در سالی که در پیش داریم ، برای شما و فرقه دمکرات آذربایجان آرزوی موفقیت می کنیم.

من هم از شما متشکرم که این امکان را فراهم کردید. سال نو بر شما و همه هموطنانمان مبارک باشد . موفق باشید.

دوشنبه 25 اسفند سال 1393

## نگاهی به حوادث اوکراین

در نهایت غرب به سازماندهی «بیرومیدان» دست زد و از هرگونه کمک مادی، معنوی به آن دریغ نکرد. در وهله اول تقابل «بیرومیدان» با حاکمیت رسمی اوکراین در چهارچوب وحدت با اتحادیه اروپا اتحاد گمرکی با روسیه بود. غرب در این میدان نیز شکست خورد و نهایتاً غرب دمکرات سیمای واقعی خود یعنی زور و تجاوز را به نمایش گذاشت.

ربا خواران جهانی بمنظور دست یابی به اهداف خود از همان تکنولوژی دهه چهل قرن بیستم استفاده می کنند. در دهه چهل با استفاده از بحران جهانی آنها برای نازیسم هیتلری حساب باز کردند. تمامی اروپا را به او دادند و با این نیرو آن را به طرف اتحاد شوروی سوق دادند.

اکنون نیز بحران جهانی وجود دارد و ربا خواران جهانی نیز احتیاج به جنگ گرم دارند. برای شعله ور ساختن این جنگ آنها دوباره بر روی فاشیست‌ها حساب باز کرده اند. این بار قرغه به نام طرفداران «ستپان باندر» افتاده است. در جنگ جهانی دوم لشکر فاشیستی «گالیچینا» که از طرفداران «ستپان باندر» بودند، یکی از جنایتکارترین لشکرها در ارتش هیتلر بود.

حال آنان از لحاظ تسلیحاتی، مالی و معنوی بشدت حمایت می شوند و ماسک «مبارزین راه عدالت» را بر چهره آنها زده اند.

هدف اصلی رباخواران جهانی تضعیف موقعیت روسیه می باشد که مانع تسلط آنها بر جهان است. و تبدیل اوکراین به سکوی پرش برای هجوم نهایی به روسیه و بلاروس با هدف نابودی کامل این تمدن و تسلط بر منابع غنی این اراضی است.

حوادث به خوبی نشان می دهد که آمریکا و اتحادیه اروپا برای جنگ می کوبند و مردم اوکراین را به گوشت دم توپ تبدیل کرده اند. دیگر واضح است که به اصطلاح «بولت انقلابی» اوکراین نه منافع زحمتکشان اوکراین بلکه منافع صاحبان خود را در نظر دارد. قوانینی که دولت تازه اوکراین از مجلس گذرانده، نه در خدمت مردم، نه ملی کردن بانکها و صنایع مادر، نه در جهت برقراری صلح اجتماعی در کشور و ثبات کارموسسات و کارخانه ها، بلکه قوانینی هستند که در خدمت بر افروختن دوباره جنگ است.

حوادث اوکراین یک بار دیگر نشان داد، که سیاست مدارا با تجاوزگران از طریق عقب نشینی های مداوم در مقابل خواسته های غیر قانونی آنها فقط باعث تقویت و تحریک فاشیست‌ها می گردد. اکنون این نیروها می خواهند روسیه را مجبور به عقب نشینی در مقابل فاشیسم کنند، آنهم در ایام ۷۰ سالگی آزادی کریمیه و تمامی اوکراین از اشغالگران فاشیست آلمانی. آمریکا و اتحادیه اروپا درسهای جنگ جهانی دوم را فراموش کرده اند و تصمیم دارند طرح هیتلری حمله به روسیه را به اجرا گذارند.

در اینجا باید به مسئله ای بسیار مهم، آنهم تغییرات جدی در سیاست خارجی دولت روسیه اشاره کرد. اکنون سیاست خارجی روسیه بسیار دقیق انعکاس دهنده منافع ملی این کشور است. البته آغاز چرخش در سیاست خارجی روسیه به فوریه ۲۰۰۷ بر می گردد. که به طور غیر منتظره ای برای همه، در کنفرانس مونیخ در رابطه با امنیت اروپا، رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین به طور ناگهانی عملکردهای ناتو را بشدت مورد انتقاد قرار داد. از آن زمان این چرخش بسیار کند و نامطمئن در جریان بود. امروز می توان گفت که برای اولین بار پس از ۲۳ سال روسیه دقیق و استوار، راه دفاع قاطعانه از منافع ملی خود را در پیش گرفته است. البته در غرب آن را «جنگ سرد» می نامند.

در پایان باید قید کرد، که مردم روسیه تمام متحدین روسیه و تمامی نیروهای ضد گلوبالیزم آمریکایی در جهان، در اینکه روسیه بتواند این هجوم همه جانبه غرب را دفع کند و از موضع دفاع به موضع مجبور کردن دشمن به صلح و همکاری برسد، ذینفع هستند.

جهان با دقت و نگرانی حوادث اوکراین را دنبال می کند. پای شورای امنیت سازمان ملل به این حوادث کشانده شده است. در مسکو شورای امنیت روسیه به رئیس جمهور اختیار استفاده از نیروهای مسلح برای دفاع از جمعیت روس زبان اوکراین را داده است. مقامات آمریکا و اتحادیه اروپا با انگشت تهدید پوتین را از دخالت در امور کریمیه و اوکراین بر حذر می دارند. از سال ۱۹۸۸ و با فرو ریزی دیوار برلین، ظاهراً جهان نفس راحتی از پایان مسابقه تسلیحاتی کشید. زیرا که گاریباچف «پروستریکا» را آغاز کرده بود. اما گاریباچف نا بخشودنی ترین اشتباه را مرتکب شد، که به تعهدات دروغین دستگاه اداری ریگان مبنی بر عدم گسترش ناتو به طرف شرق، باور کرد.

از ۱۹۸۸ به بعد بسیاری از دولتهای کوچک و بزرگ خلیج فارس، عراق، افغانستان، سومالی، یمن، چاد، لیبی، «بهار عربی» سوریه، نیجریه، اوکراین درگیر جنگی ویرانگر و تحمیلی شده اند. میلیون ها انسان در اردوگاههای پناهندگان، بدون نان، آب، برق و ابتدایی ترین شرایط زندگی به سر می برند. شهرها، روستاها و خانه های آنها ویران گردیده و اموال آنان از بین رفته است. زیر بنای اقتصادی این کشورها به طور کامل نابود گردیده. وضعیت طوری است که دیگر کسی توجه ای به تعداد کشته ها و زخمی ها ندارد. کره شمالی و ایران تهدید می کردند و علیه روسیه تحریمها به کار گرفته شده در عوض ارزش سهام انحصارهای اسلحه سازی غرب مرتب در حال افزایش است.

غرب به رهبری آمریکا مدتهاست فزاینده حرکت به طرف شرق، یعنی تسلط بر اراضی روسیه و کل آسیا را آغاز کرده است. گلوبالیست‌ها ظاهراً طرح هیتلر - برلین - ورشو - کیف - مسکو را انتخاب کرده اند. هرچند که تا حال کشورهای غربی به خط آ - آ (آرخانگل - آسنرخان) که هیتلر در کتاب «نبرد من» نوشته بود، نرسیده اند. اما آنها فراتر از این یعنی تسلط کامل بر شرق را دنبال می کنند. برژینسکی معروف سالها قبل در کتاب «صحفه شطرنج» خود اذعان می دارد که برای تسلط بر روسیه بایست اوکراین را از آن گرفت.

غرب برای دستیابی تسلط بر جهان ساختارهای ویژه خود همچون بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، ناتو و دادگاه لاهه را به وجود آورده است. طرح همگرایی یا گلوبالیزم آمریکایی بر اساس تقدس و حاکمیت پول، بر انگیزتن جنگ همه علیه همه با هدف تصاحب منابع مادی، بنیاد نهاده شده است. این طرح در برگزیده تلاشی تمامی دولتها، ملتها و ادیان مخالف غرب، نابودی ارزشهای معنوی دیگر تمدنها و تغییر مقدسات و ارزشها در اذهان مردم و جایگزینی آن با ارزشهای تقلبی تمدن غرب همانا تقدس حاکمیت پول است.

با نگاهی گذارا به وضعیت کنونی جهان می توان گفت که همگرایی یا گلوبالیزم امپریالیستی جهان را به بحرانی همه جانبه کشانده است و موجودیت کره زمین را تهدید می کند. به همین دلیل مدتهاست که در جهان تلاشی برای پا گرفتن آلترناتیوی دیگری در جریان است. روسیه، وارث اتحاد شوروی ابر قدرت، به دلایل مشخص در راس این تلاشها قرار دارد. اتحاد شانگهای، بریکس، اتحاد گمرکی روسیه کازاخستان - بلاروس که بعداً چند کشور دیگر به آن ملحق شدند، گسترش مناسبات با چین، هند، برزیل و کشورهای آمریکای لاتین در راستای این تلاشها هستند.

اتحادیه اروپا به دستور ایالات متحده آمریکا برای جلوگیری از این پروسه ساختار ویژه ای در سیمای سازمان همکاریهای شرق برای مبارزه در راه اشاعه گرایشات تمدن غربی میان خلقها و دولتهای سابق اتحاد شوروی تشکیل دادند. در گذشته آنها گرجستان را به تقابل نظامی با روسیه تحریک کردند. پس از شکست تلاشهای خود را بر ملداوی و اوکراین متمرکز ساختند. در اجلاس سازمان همکاریهای شرق در "ویلینوس" می بایست بر جدایی کامل اوکراین از روسیه صحه گذاشته می شد، ولی با تلاشهای دیپلماتیک روسیه، آنزمان اوکراین از امضاء سند نزدیکی به اتحادیه اروپا امتناع ورزید.